



و یک دلیل ساده اما استوار درباره ولایت و امامت حضرت علی علیه‌السلام از کتاب «حساس‌ترین فراز تاریخ یا داستان غدیر» نوشته جمعی از دبیران:

امام همگان

خلیل‌بن‌احمد فراهیدی، دانشمند و نحوی بزرگ و واضع دانش «عروض» درباره حضرت علی علیه‌السلام چنین گفته است: «استغناؤه عن الكل و احتیاج الكل الیه، دلیل علی انه امام الكل؛ بی‌نیازی او از همه و نیاز همگان بدو، دلیل است که او امام همگان است.»

داستان غدیر، ص ۲۸۲.

مفسران، نزدیک به سیصد آیه قرآن را در وصف و شأن اهل بیت و مقام بلند محبت و ولایت آنان تفسیر کرده‌اند. آغاز سخن را با یکی از این آیات و ترجمه منظوم آقای امیدمجد زینت می‌دهیم:

آیه ولایت

«انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم را کمون»

ولی شما هست یکتا خدای
همین سان فرستاده‌اش مصطفی
دگر مومنانی که اندر صلات
به وقت رکوعش دهنده زکات
(به اجماع آرا مراد از ولی
در این آیه باشد امام علی)

شیعه به چه معناست؟ به چه کسانی شیعه می‌گویند؟ این واژه از دو منظر اصطلاحی و لغوی قابل بررسی است:

معنای شیعه

«شیعه در لغت به معنای پیرو و یار است. قرآن کریم از حضرت ابراهیم علیه‌السلام به عنوان شیعه حضرت نوح یاد می‌کند. این واژه که در کاربرد لغوی با آمدن نامی در پی خود، پیروان شخص خاصی را می‌شناساند، هم‌اکنون در عرف مسلمانان به صورت اسم خاص درآمده و به کسانی که ولایت و امامت علی بن ابی طالب علیه‌السلام و فرزندان او را پذیرفته باشند، گفته می‌شود، البته این مفهوم به مرور به شیعیان اثنی عشری اطلاق شده است. ابن خلدون می‌نویسد: «شیعه در عرف فقیهان و متکلمان خلف و سلف، بر پیروان و اتباع علی و پسران او اطلاق می‌شود.»

بسیاری از پژوهشگران اهل سنت و خاورشناسان که درباره تحولات منجر به ظهور مفهوم شیعه در اندیشه و پیکره امت اسلامی به تحقیق و کاوش علمی پرداخته‌اند، نظریه‌های گوناگونی که گاه با اختلاف آرا و تفاوت با دیدگاه مشهور است، ارائه داده‌اند؛ ولی وجه مشترک تمامی دیدگاه‌ها این است که مفهوم شیعه پس از رحلت پیامبر اکرم و به خاطر دست‌نیافتن علی بن ابی طالب به خلافت و حکومت، میان پیروان او پیدا شد. آن چه در متون روایی شیعه و اهل سنت از پیامبر اکرم نقل شده است، حکایت از آن دارد که شخص پیامبر از پیروان و دوست‌داران علی به عنوان شیعه نام برده است. بنابر این، تکوین و تکامل این مفهوم به لحاظ تاریخی به زمان پیامبر برمی‌گردد.

علی شیرخانی، تشیع و روند گسترش آن در ایران، ص ۹

و حیفمان آمد درباره ولایت و اطاعت اهل بیت از نهج البلاغه سخنی نیاوریم:

نمی از یم

«مردم! به اهل بیت پیامبران بنگرید، از آن سو که کام برمی‌دارند، بروید، قدم جای قدمشان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند قیام کنید از آن‌ها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید، و از آنان عقب نمانید که نابود می‌گردید.»

نهج البلاغه، خطبه ۹۷، ترجمه: محمد دشتی، ص ۱۸۱.

در فرهنگ گران سنگ شیعه، واژه‌هایی هم چون ولی، ولایت، و امام، قداست و ویژه‌ای یافته و ارزشی خاص دارند و این با تفسیر و معنایی که اهل سنت از این واژه‌ها می‌کنند، کاملاً متفاوت است، بنگرید:

ولایت و امامت از نگاه شیعه و سنی

«شیعیان در تداوم نبوت، به نهاد امامت عقیده دارند. در زبان عربی، «امام» در اصل به معنای «رهبر» می‌باشد. براساس معنای لغوی، امام می‌تواند در مورد رهبران خوب و بد، هر دو به کار رود هم چنین دایره رهبری امام می‌تواند بسیار وسیع، هم چون رهبری یک ملت یا کشور یا محدود هم چون اداره یک مراسم عبادی در مسجد مانند امام جماعت باشد.

اما در کلام شیعی، امام دارای معنای اصطلاحی خاصی است. مطابق با این اصطلاح، امام به شخصی گفته می‌شود که زمام امور سیاسی و دینی جامعه اسلامی را از سوی خدا به عهده دارد. به عبارت دقیق تر، امام شخصی است که از طرف خدا، برای رهبری جامعه اسلامی، تفسیر و حمایت از دین و قانون شرع و نیز هدایت مردم در جنبه‌های مختلف زندگی منصوب شده و توسط پیامبر یا امام پیشین معرفی می‌گردد. امام، خلیفه خدا بر روی زمین و جانشین پیامبر است و باید مصون از گناه، و دارای معرفت کامل به جنبه‌های ظاهری و باطنی قرآن باشد.

دیدگاه اهل سنت: مسلمانان اهل سنت، واژه امام را مترادف با خلیفه به کار می‌برند. در زبان عربی، خلیفه به معنای جانشین است. این عنوان، بر هر کسی که بر مسند قدرت نشسته و پس از رحلت پیامبر بر جامعه اسلامی حکومت کرده، اطلاق می‌شود. بر اساس این اصطلاح، مهم حاکمیت بر جامعه اسلامی است. خلیفه ممکن است از سوی مردم انتخاب شود یا توسط خلیفه پیشین منصوب گردد یا توسط کمیته‌ای انتخاب گشته و یا حتی با اعمال زور و استفاده از قدرت نظامی به قدرت رسیده باشد. خلیفه لازم نیست مصون از گناه یا در صفاتی هم چون ایمان و معرفت، برتر از دیگران باشد.»

محمد علی شمالی، شیعه‌شناسی مقدماتی، ص ۵۷

اهل بیت

«روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله عبا ی سبایه خویش را گشود و حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام را زیر آن عبا قرار داد و فرمود فقط این‌ها اهل بیت من هستند؛ تا دیگران به نام اهل بیت رهبری مردم را تصاحب نکنند و همان گونه که دو خط آهن تا آخر مقصد از هم جدا نمی‌شوند، قرآن و اهل بیت به فرموده پیامبر عزیز از هم جدا نمی‌شوند و همان گونه که تحریف در قرآن راه ندارد، انحراف و گناه در اهل بیت راه ندارد و با این که اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دشمنان زیادی داشتند، و همه آن‌ها را شهید کردند ولی از سوی هیچ کتاب تاریخی حتی یک گناه هم برای یکی از افراد اهل بیت رسول الله نقل نشده است. اهل بیت رسول الله بر همه رهبران جهان امتیازاتی دارند زیرا:

۱. سابقه آن‌ها از همه بیشتر است و آن عزیزان از زمان خود پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده‌اند؛ السابقون السابقون اولئک المقربون
۲. در قرآن می‌خوانیم خداوند هر گونه آلودگی و گناه را از آنان دور کرده کرده و معصوم هستند؛ انما یرید الله لیزهبن عنکم الرجس اهل بیت.
۳. همه آنان در راه خداوند شهید شدند...»

محسن قرائتی، همراه با نماز، ص ۲۰۷.



ولایت چطور حکومتی است؟ مقام معظم رهبری

در این جمله‌ای که پیامبر [در غدیرخ] بیان کرده‌اند، معنای ولایت چیست؟ به طور خلاصه معنایش این است که اسلام در نماز و روزه و زکات و اعمال فردی و عبادات خلاصه نمی‌شود. اسلام دارای نظام سیاسی است و در آن حکومتی بر مبنای مقررات اسلامی پیش‌بینی شده است. در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت، «ولایت» است. ولایت، چطور حکومتی است؟ ولایت، حکومتی است که در آن، شخص حاکم با احاد مردم دارای پیوندهای محبت‌آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است. آن حکومتی که زوروری باشد؛ آن حکومتی که با کودتا همراه باشد؛ آن حکومتی که حاکم، عقاید مردمش را قبول نداشته باشد و افکار و احساسات مردمش را مورد اعتناء قرار ندهد؛ آن

حکومتی که حاکم حتی در عرف خود مردم - مثل حکومت‌های امروز دنیا - از امکانات خاص و از برخورداری‌های ویژه بهره‌مند باشد و برای او، منطقه ویژه‌ای برای تمتعات دنیوی وجود داشته باشد هیچ‌کدام به معنای «ولایت» نیست و ولایت، یعنی حکومتی که در آن، ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطات فکری، عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت‌آمیز است؛ مردم به او متصل و پیوسته‌اند؛ به او علاقه‌مندند و او منشأ همه این نظام سیاسی و وظایف خود را از خدا می‌داند و خود را عبد و بنده خدا می‌انگارد. استیکبار در ولایت وجود ندارد. حکومتی که اسلام معرفی می‌کند، از دیکراسی‌های رایج دنیا مردمی‌تر است؛ با دل‌ها و افکار و احساسات و عقاید و نیازهای فکری مردم ارتباط دارد؛ حکومت در خدمت مردم است.

تحریف معنوی حدیث غدیر استاد مصباح یزدی



همان‌طور که برخی از دشمنان انبیای الهی پس از آزمودن ترفندهای گونه‌گون خویش، به حربه شیطانی تحریف معنوی آموزه‌های وحی و فرموده‌های فرستادگان معصوم خداوند روی می‌آوردند، بسیاری از معاندان ولایت نیز پس از آن‌که تلاش‌های خود را در ضدیت با اهل‌بیت و انکار خلافت امام علی‌علیه‌السلام و فرزندان معصومش شکست خورده یافتند، دست به کار تحریف معنوی اخبار و روایاتی شدند که به ولایت و جانشینی امیر مؤمنان و دیگر امامان شیعه‌علیهم‌السلام دلالت یا تصریح دارند. یکی از بزرگ‌ترین موانعی که بر سر راه این گروه

قرار دارد، واقعه و حدیث غدیر است. کثرت ناقلان واقعه غدیر و نیز ثبت حدیث شریف غدیر در منابع و متون مختلف تاریخی، روایی و تفسیری مانع از انکار و تکذیب و تحریف لفظی آن شده است. از این‌روی، تلاش‌های فراوانی صورت گرفته است تا مفاد اصلی حدیث تحریف شود، و از این طریق، خلافت امام علی‌علیه‌السلام پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نفی گردد. رایج‌ترین شیوه برای این کار، تحریف در معنای کلمه کلیدی «مولی» در حدیث مزبور است.

برخی کوشیده‌اند ثابت کنند که «مولی» در این حدیث شریف به معنای «محب» و «دوست» و نه به معنای «ولی‌التصرف» به کار رفته است و در نتیجه واقعه و حدیث غدیر، ارتباطی با جانشینی پیامبر و موضوع ولایت و امامت ندارد.

این تحریف و تأویل‌ها در حالی صورت می‌گیرد که تمام شواهد و قراین متصل و منفصل، گواه آنند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز غدیر، علی‌علیه‌السلام را به جانشینی خویش برگزیده است. در آن روز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله کاروانی نزدیک به صدهزار نفر را در صحرای غدیر و زیر آفتاب سوزان متوقف کرد و دستور داد کسانی که پیش‌تر رفته‌اند بازگردند و صبر کرد تا آنان که عقب مانده‌اند به توقف‌گاه برسند.

شدت گرما به‌حدی بود که مردم و حتی خود حضرت گوشه‌ای از لباس خود را به‌سَر انداخته، گوشه‌ای دیگر را زیر پای خود نهاده بودند و گروهی از شدت گرما عباى خود را به‌پاشان پیچیده بودند.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عده‌ای را مأمور کرد که جایگاهی را برای سخنرانی بزرگی آماده سازند و پس از ساعتی، هنگام ظهر نماز جماعت برقرار شد و پس از آن حضرت برخاست و بر فراز منبری که برپا ساخته بودند، ایستاد و سخنرانی کرد. حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله در این سخنرانی به‌صراحت مسئله امامت و ولایت علی‌علیه‌السلام و نیز فرزندان معصومش را مطرح ساخت و در مرحله بعد بازوان امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام را گرفت و او را از زمین بلند کرد و به‌روشنی فرمود: من کنت مولاه فهذا علی مولاه.

با این وصف، معقول نیست که پیام غدیر، تنها دعوت مردم به دوستی علی‌علیه‌السلام باشد، و این نوع ستیزه‌جویی با حق، فتنه‌ای است که خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در همان روز از آن خبر داد و مردم را از گرفتار شدن در دام آن برحذر داشت.

کشتی نبوت و ولایت

پیامبر اکرم در حدیثی فرمود: مَثَلُ اهل بیت من همانند کشتی نوح است، کسی که بر آن سوار شود نجات می‌یابد و کسی که تخلف نماید غرق می‌شود. از این تشبیه نکته‌هایی را می‌توان استفاده کرد:

۱. در هر دو، ناخدای کشتی، معصوم و برگزیده خدا بود.
۲. هر دو، وسیله نجات بودند.
۳. حضرت نوح قبل از خطر توفان و سیلاب مشغول کشتی سازی شد، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز قبل از بروز فتنه‌ها و انحرافات در هر فرصتی که پیش می‌آمد کشتی ولایت را به طرق مختلف به مردم معرفی می‌کرد.
۴. در آن زمان تنها نقطه امن، کشتی نوح بود... کشتی ولایت نیز چنین وضعی دارد و هیچ مکتب و آرمانی نمی‌تواند جایگزین مکتب اهل‌بیت شود.
۵. در داستان کشتی نوح کسانی که از دستورات آن حضرت سرپیچی کردند، غرق شدند، افرادی هم که از اطاعت اهل‌بیت سرپیچی کردند به انحراف و گمراهی رفتند و هلاک شدند.
۶. در کشتی نوح، اقلیت جامعه اهل نجات بودند، در کشتی ولایت نیز اقلیت اهل نجاتند.
۷. ...

محمود اکبری، برداشت‌های تربیتی، ص ۶۸

جرجی زیدان، تاریخ‌دان و ادب‌شناس بزرگ در کتاب تاریخ آداب‌الله‌العربیة نوشت: «شیعیان، آثار مکتوب قابل توجهی در تاریخ عرضه نکرده‌اند و نقش موثری در پیشرفت علوم اسلامی نداشته‌اند.»

سه دوست جوان که از دانش‌آموختگان حوزه علمیه نجف و تربیت‌یافته فرهنگ شیعه بودند و این ادعا را نادرست می‌دانستند با یکدیگر هم‌پیمان شدند که هر کدام به گونه‌ای بر این سخن باطل زیدان پاسخی قاطع بیاورند:

غیرت دینی

علامه شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء به نقد روش تحقیق این کتاب پرداخت و خطاهای متعدد آن را برشمرد و حاصل کار خود را به صورت کتابی به نام النقود و الردود (نقدها و پاسخ‌ها) منتشر ساخت. این کتاب در محافل علمی جای خود را باز کرد و نشان داد که چگونه کاری عالمانه می‌تواند ادعای نادرست را بی‌اثر کند.

علامه سیدحسن صدر، نقش شیعیان را در پایه‌گذاری علوم اسلامی نشان داد و ثابت کرد که بسیاری از این علوم بی حضور شیعیان هیچ‌گاه شکل امروزی خود را نمی‌یافتند و... این تحقیق با نام «تأسیس الشیعه الکرام للعلوم الاسلام» منتشر شد...

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز با کوششی بی‌مانند کتابخانه‌های سراسر کشورهای اسلامی را کاوید و از میان کتاب‌های آن‌ها نزدیک به شصت هزار کتاب شیعی را شناسایی کرد و بدین ترتیب توانست کتاب‌شناسی بزرگ شیعه را از آغاز تاریخ اسلام تا عصر خویش تدوین کند. این کتاب‌شناسی که نگاهی به ۱۲۰۰ سال فعالیت علمی شیعه دارد، طی حدود سی جلد با عنوان «الذریعه الی تصانيف الشیعه» (راهنمای آثار مکتوب شیعه) پاسخ محکمی بود به ادعای نابه‌جای جرجی زیدان.

سید حسن موسوی، دفتر زندگی، ص ۴۲.

